هدایت تحصیلی در نظام آموزش و پرورش ایران: تجارب عملی و چالشهای پایدار

دکتر احد نویدی*

چکیده

تجارب عملی اجرای برنامه‌های هدایت تحصیلی، در طول بیش از نیم قرن، در گزارشهای پژوهشی انعکاس یافته است. از مطالعه پژوهشهای انجام شده می‌توان دریافت که برنامه‌های هدایت تحصیلی در کشور ما با فراز و نشیبهای بسیار همراه بوده است. این برنامه‌ها به‌طور شایسته اجرا نشده و اهداف و مقاصد اصلی آن تحقق نیافته است. هدف از نگارش این مقاله، ارائه تصویری از برنامه‌های هدایت تحصیلی در نظام رسمی آموزش و پرورش ایران و تصریح کاستیها و اختلالهای نظام هدایت تحصیلی است. برای تدوین این مقاله، بیش از ۵۰ گزارش پژوهشی ناظر بر برنامه‌های هدایت تحصیلی و نیز ادبیات و تحلیلهای انعکاس یافته در رسانه‌های عمومی مطالعه شد و روش سنتز پژوهی برای مرور ادبیات و طبقه‌بندی مضامین به‌کار گرفته شد. تجارب ناظر بر اجرای برنامه‌های هدایت تحصیلی در طول نزدیک به نیم قرن موردتوجه قرار گرفته و برنامه‌های هدایت تحصیلی با نگاهی کاستی‌جویانه، مورد تحلیل قرار گرفت. چالشها و عوامل بازدارنده موفقیت برنامه‌های هدایت تحصیلی در ایران مورد بررسی قرار گرفته و پیشنهادهایی برای رفع موانع ارائه شد. ایجاد بستر مناسب، تصریح نیازها و امکانات جامعه، ارتقای سطح دانش و مهارت حرفه‌ای مشاوران، تلاش مداوم و اهتمام جدی برای شناخت و راهنمایی دانش‌آموزان از آغاز تحصیلات تا مرحله کسب صلاحیت «خودرهبری» و استمرار در انجام دادن پژوهش و ارزشیابی اقدامها و برنامه‌ها، عواملی هستند که می‌توانند به بهگشت برنامه هدایت تحصیلی کمک کنند.

کلید واژگان: هدایت تحصیلی، دانش‌آموز دوره متوسطه، رشته تحصیلی، استعداد، علاقه، نیاز، ملاکهای هدایت تحصیلی

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۳۰

*دانشیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (نویسنده مسئول) anaveedy@gmail.com

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

مقدمه

تحولات ناشی از انقلاب صنعتی نقش دیرین آموزش و پرورش را به کلی دگرگون ساخت و در برنامه‌ها، محتوای درسی و روشهای آموزش، تغییرات بنیادین به وجود آورد که مهم‌ترین آنها همگانی شدن آموزش و پرورش، طولانی شدن مدت تحصیل، ایجاد رشته‌های متنوع تحصیلی و اجرای برنامه‌های مشاوره و راهنمایی در مدارس بود. راهنمایی تحصیلی را می‌توان به عنوان فرآیند کمک به دانش‌آموزان برای انتخاب رشته تحصیلی مناسب براساس شناخت استعدادها و تواناییهای خود و امکانات و شرایط محیطی تعریف کرد. تصمیم‌گیری دانش‌آموز برای انتخاب رشته تحصیلی بستگی به سه دسته اطلاعات(تواناییهای شخصی، ویژگیهای رشته‌های تحصیلی موجود و ارتباط رشته‌های تحصیلی با حِرَف و مشاغل آینده) دارد. هراندازه شناخت دانش‌آموز از این سه دسته عوامل واقعی‌تر و دقیق‌تر باشد، تصمیم وی در انتخاب رشته تحصیلی موفقیت‌آمیزتر خواهد بود. انتخاب رشته تحصیلی در دوره متوسطه انجام می‌شود. مدارس دوره متوسطه نقشی دوگانه ایفا می‌کنند و گاهی با تعارض نقشها درگیر می‌شوند. دوره متوسطه یک مرحله گذار از مدرسه به دنیای کار و زندگی و یا ورود به آموزش عالی است. بنابراین، پوشش دادن این دو کارکرد ضرورت دارد. اما برنامه نظام مدرسه طوری است که اجرای این برنامه‌ها با کارکرد دوگانه، به‌ویژه سازماندهی و فراهم ساختن تسهیلات را بسیار دشوار می‌سازد. هزینه‌های کارگاههای آموزشی تخصصی سنگین است و کارکنان متخصص به آسانی قابل دسترس نیستند. به همین دلیل، همواره یکی از کارکردهای دوره متوسطه بر دیگری غلبه داشته است. در چند دهه پس از انقلاب صنعتی، کارکرد اصلی مدارس متوسطه، آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به دنیای کار بوده است، اما با گذشت زمان و به موازات پیشرفت فناوری، تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی، به‌تدریج افزایش یافته تا جایی که امروزه آموزش عالی در اغلب کشورهای توسعه یافته فراگیر شده است و گرایش جوانان برای ورود به دانشگاه به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته است. همچنین، افزایش جمعیت دانش‌آموزان دختر و تحولات نوین در الگوها و نقشهای جنسیتی و مسئله اشتغال دختران، ضمن ایجاد برخی تعارضها میان سنت و مدرنیته و سردرگمی در تعیین نقشها، برنامه‌های هدایت تحصیلی را به چالش می‌کشد.

به‌طور کلی برنامه‌های هدایت تحصیلی برای دستیابی به دو هدف اجرا می‌شوند:

۱. دانش‌آموزان براساس ویژگیهای شخصی(استعداد، توانش، علاقه و دانش) به مسیرهای تحصیلی هدایت شوند، به‌طوری که رشته تحصیلی هر فرد برازندهٔ شخصیت وی باشد.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

۲. دانش‌آموزان برمبنای نیازهای جامعه به رشته‌های تحصیلی هدایت شوند، چنانکه تربیت‌شدگان رشته‌های گوناگون، از لحاظ کمّی و کیفی، بتوانند نیازهای جامعه به نیروی انسانی را برطرف سازند.

وزارت آموزش و پرورش ایران برای تحقق یافتن این دو هدف و هماهنگ ساختن برنامه‌های آموزشی با ویژگیهای فردی دانش‌آموزان و نیازهای جامعه، برنامه‌های هدایت تحصیلی را طراحی و اجرا کرده است. باوجود این، در طول بیش از نیم قرن، برنامه‌های هدایت تحصیلی در ایران با موانع و مشکلاتی همراه بوده است. رخصت طلب(۱۳۷۵) نتیجه گرفته است که مجموعه فعالیتهایی که تحت عنوان «هدایت تحصیلی» انجام می‌شود در دستیابی به اهداف مورد نظر مؤثر و کافی نیستند. دانش‌آموزان برای انتخاب رشته از هر نظر دچار کمبود اطلاعات و کمبود منابع و مراکز کسب اطلاعات هستند. نیاز واقعی جامعه به‌طور واضح و صریح تعیین و اطلاع رسانی نشده‌است. شفقتیان(۱۳۷۶) گزارش داده است که دانش‌آموزان درباره شرایط و ویژگیهای رشته‌های تحصیلی نظام جدید آموزش متوسطه آگاهی ندارند. سه چهارم مشاوران اعتقاد دارند که راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان با نیازها و امکانات کشور هماهنگ نیست. ادریسی(۱۳۷۶) نتیجه گرفته که از نظر ۷۰ درصد مشاوران و دبیران راهنما فرصت کافی برای شناخت ویژگیهای شخصیتی دانش‌آموزان که لازمه هدایت تحصیلی است، وجود ندارد. مشاوران و دبیران راهنما از تجربه کافی برخوردار نیستند. اغلب خانواده‌ها دربارهٔ فرآیند راهنمایی و هدایت تحصیلی شناخت کافی ندارند. بالی تیرکده(۱۳۷۵) در تحقیق خود دریافت که راهنماییها و توصیه‌های مشاوران تحصیلی در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر نیست. نویدی(۱۳۷۶) در مطالعه خود نتیجه گرفت که شاخصهای عملکرد تحصیلی قبلی به تنهایی قادرند آنچه را از طریق همهٔ ملاکهای هدایت تحصیلی پیش‌بینی می‌شود، تبیین کنند و سهم سایر ملاکهای هدایت تحصیلی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی بعدی دانش‌آموزان معنادار نیست. رجبلو(۱۳۷۹) در مطالعه خود نتیجه گرفت که اغلب مشاوران از تجربه و تخصص کافی برخوردار نیستند. حمیدی‌پور(۱۳۷۹) در مطالعه خود به این نتیجه رسید که دانش‌آموزان به اولویت‌بندی رشته‌های تحصیلی از سوی مشاوران توجهی ندارند و رشته تحصیلی خود را بدون توجه به توصیه مشاوران انتخاب می‌کنند.

بیش از نیم قرن از تشخیص ضرورت اجرای برنامه هدایت تحصیلی در ایران می‌گذرد. در اردیبهشت ۱۳۳۷ برای اولین بار در کنفرانس تعلیمات متوسطه که در مشهد برگزار شد، مسأله راهنمایی تحصیلی به‌صورت جدی مورد بحث قرار گرفت. در مرداد ماه همان سال پیش‌نویس

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

طرح راهنمایی تحصیلی در کنگره فرهنگیان بررسی و به صورت فصلی به آئین‌نامه دبیرستانها اضافه شد. به موجب این آئین‌نامه که در تیرماه ۱۳۳۸ به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید، مقرر شد هریک از دبیرستانها پس از فراهم شدن امکانات و تجهیزات و نیروی انسانی و کسب آمادگی کامل، با اخذ مجوز از اداره کل تعلیمات متوسطه، اجرای برنامه راهنمایی تحصیلی را آغاز کنند(حسینی، ۱۳۷۰؛ به نقل نویدی، ۱۳۷۶). از مهرماه ۱۳۵۰ که نخستین کلاس دورهٔ راهنمایی تحصیلی تشکیل شد تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که انقلاب به تغییر رژیم سیاسی منجر شد، در زمینهٔ اجرای برنامه راهنمایی تحصیلی اقدامها و فعالیتهای بسیار انجام شد، ولی اهداف مورد انتظار تحقق نیافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اجرای برنامه راهنمایی تحصیلی با اختلالهای بیشتر همراه شد؛ مراکز مشاوره و راهنمایی تعطیل و از سال تحصیلی ۶۰-۱۳۵۹ قرار شد مشاوران راهنمایی و کادر مراکز مشاوره و راهنمایی در مشاغل آموزشی مشغول به کار شوند. در خرداد ۱۳۵۹ گرایش و رشته راهنمایی و مشاوره از فهرست رشته‌های تحصیلی دانشگاهها حذف شد. در پایان سال ۱۳۶۴، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورایی به نام شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش را مأمور انجام بررسیهای لازم کرد. حاصل این مأموریت به صورت «طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» تدوین و در تیر ماه ۱۳۶۸ به تایید شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. از سال تحصیلی۷۲-۱۳۷۱ به بعد با آغاز اجرای نظام جدید آموزش متوسطه بر اساس طرح راهنمایی و مشاوره در دوره متوسطه که به تصویب هیات اجرایی نظام جدید رسیده بود، فعالیت رسمی اولین گروه از مشاوران در دبیرستانهای تحت پوشش نظام جدید شروع شد و وظایف راهنمایی تحصیلی و در کنار آن مشاوره سازشی به آنان محول شد. انتظار می‌رفت با بهره‌گیری از تجارب گذشته، برنامه هدایت تحصیلی از موفقیتی چشمگیر برخوردار باشد. با وجود این، شواهد پژوهشی(برای مثال، حسینی، ۱۳۸۱؛ علیدوست ابدی‌خواه، ۱۳۷۰؛ نویدی،۱۳۷۶) بر استمرار مشکلات و ناکامی برنامه هدایت تحصیلی در نظام جدید آموزش متوسطه دلالت دارند.

از سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵، با استقرار نظام ۶-۳-۳، اجرای برنامه جدید هدایت تحصیلی آغاز شد. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش خطوط اصلی برنامه هدایت تحصیلی ترسیم شده است. در ذیل هدف عملیاتی ۲۱ سند تحول دربارهٔ «بازنگری و بازمهندسی ساختارها، رویه‌ها و روشها»، دو راهکار به هدایت تحصیلی مربوط می‌شود. راهکار ۳-۲۱ بیان می‌کند: «طراحی و استقرار نظام جامع هدایت تحصیلی و استعدادیابی به منظور هدایت دانش‌آموزان به سوی رشته‌ها و حِرَف و مهارتهای مورد نیازِ حال و آیندهٔ کشور متناسب با استعدادها، علاقه‌مندی و تواناییهای

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

آنان». در راهکار ۴-۲۱ سند تحول آمده است: «استقرار نظام راهنمایی و مشاوره تربیتی مبتنی بر مبانی اسلامی و افزایش نقش معلمان در این زمینه و به کارگیری مشاوران متخصص برای ایفای وظایف تخصصی در تمام پایه‌های تحصیلی». بنابراین، هدایت تحصیلی مختص انتخاب رشته در یک مقطع زمانی نیست و همه پایه‌های تحصیلی را شامل می‌شود.

در چارچوب نظام ۶-۳-۳، اجرای برنامه جدید هدایت تحصیلی در همین ابتدای کار با مشکلات و موانعی مواجه شد تا جایی که موضوع هدایت تحصیلی در تابستان سال ۱۳۹۵ به بحثی داغ در رسانه‌های عمومی تبدیل گشت. به گزارش مشرق نیوز، «هدایت تحصیلی» دانش‌آموزان که امسال به صورت شکل و شمایلی جدید در دوره اول متوسطه و در پایان پایه نهم برای ورود دانش‌آموزان به مقطع متوسطه دوم و پایه دهم انجام می‌شود، نقل محافل عده کثیری از دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها شده است. مسئولان آموزش و پرورش مدعی هستند که برنامه جدید هدایت تحصیلی حاصل ساعتها کار پژوهشی، کارشناسی و استفاده از نظرات اهل فن است. با نگاه به فاکتورها و ملاکهای هدایت تحصیلی می‌توان تا حدودی نسبت به این فرآیند امیدوار بود، اما آنچه این روزها در میدان عمل باعث دغدغه‌ها و دل‌مشغولیهای فراوان دانش‌آموزان و خانواده‌ها شده است، کلاف سردرگمی است که حاصل وجود ابهامات در بحث هدایت تحصیلی و نبود اطلاعات کافی برخی مدیران و مشاوران تحصیلی و ناتوانی آنها در تبیین و تشریح جنبه‌های مختلف برنامه هدایت تحصیلی است(مشرق نیوز، ۱۳۹۵/۴/۲۷).

گرایش اغلب دانش آموزان به برخی رشته‌ها مانند علوم تجربی و اکراه آنان برای ورود به هنرستانهای فنی حرفه ای و کاردانش از یک طرف و تصمیم وزارتخانه برای توزیع متوازن دانش‌آموزان در رشته‌ها از طرف دیگر، تنشهایی در سطح جامعه ایجاد کرده و به دخالت مقامات خارج از وزارت آموزش و پرورش منجر شده است. کوچکی‌نژاد عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار آموزش و پرورش خبرگزاری فارس، از تبدیل شدن موضوع «هدایت تحصیلی» دانش‌آموزان به یک بحران سخن گفته است. نگرانی و اعتراضات مردم در زمینهٔ انتخاب رشته و اجبار و مسائل مرتبط با آن بقدری بالا گرفته که ناصر سراج رئیس سازمان بازرسی کل کشور در حکمی به معاون نظارت و بازرسی امور فرهنگی و اجتماعی سازمان مأموریت داده است تا به قید فوریت موضوع هدایت تحصیلی در آموزش و پرورش را بررسی و نتیجه را گزارش دهد(به نقل از خبرگزاری آنا، ۱۳۹۵/۵/۱۰). رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی هم به وجود نوعی اجبار در انتخاب رشته تحصیلی

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

واکنش نشان داده و شورای عالی آموزش و پرورش را به بازنگری در مصوبه مربوط به هدایت تحصیلی فراخوانده است. با اظهار نظر رئیس جمهور دربارهٔ هدایت تحصیلی و عدم اجبار در انتخاب رشته دانش‌آموزان برای همگان روشن شد که آموزش و پرورش نباید به اجبار فردی را به سمت رشته‌ای هدایت کند. در پی این واکنشها، ناصری زنجانی معاون حقوقی و امور مجلس وزیر آموزش و پرورش در یک نشست خبری اظهار داشت: «اجبار» در انتخاب رشته در هدایت تحصیلی را برداشتیم و دانش‌آموزان می‌توانند بر اساس اولویت خود رشته‌ای را انتخاب کنند منوط بر اینکه در استان مربوطه، امکانات لازم وجود داشته باشد. البته، مواضع متفاوت و متناقضی از سوی مقامات آموزش و پرورش اتخاذ شده است(به نقل از خبرگزاری آنا، ۱۳۹۵/۵/۱۲).

فرجی(۱۳۹۵) مشاور مدارس تهران، با انتقاد از تأخیر در اجرای برنامه هدایت تحصیلی دانش آموزان پایه نهم، به خبرنگار جماران گفت: «به طور مشخص از اوایل آبان ماه سال ۱۳۹۴، موضوع هدایت تحصیلی دانش آموزان روی میز مسئولان آموزش و پرورش قرار داشت. سرانجام در ۱۹ تیر، اولین برگهای هدایت تحصیلی دانش آموزان منتشر شد که البته با کلی سؤال و ابهام همراه بود.... مشاوران نسبت به آنچه در حال رخ دادن است آگاهی ندارند و این شیوه را قبول ندارند. در این میان، حجم سنگینی از اعتراضات متوجه منطقه و استان خواهد شد. متاسفانه هیچ‌گونه دستورالعمل اجرایی که به طور مشخص توضیح دهد مشاوران و مدیران متوسطه چه باید بکنند و چه شیوه ای را باید در پیش بگیرند، وجود ندارد».

در واقع، اجرای برنامه هدایت تحصیلی در تابستان سال ۱۳۹۵ با اختلال مواجه شد و نه تنها توزیع متوازن دانش آموزان در رشته‌ها تحقق پیدا نکرد، بلکه نفوذ حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش کاهش یافت، به طوری که بخشها و بدنه آموزش و پرورش با تصمیمات اخذ شده از سوی ستاد همراهی نکردند. حتی مشاوران برای توجیه تصمیم ستاد متعهدانه عمل نکردند و اغلب آنها انتظار داشتند برنامه به نتیجه نرسد. مع‌الوصف، پیش‌بینی می‌شود اجرای برنامه هدایت تحصیلی در سالهای آینده هم با موفقیت همراه نشود؛ در حالی که برای اجرای برنامه هدایت تحصیلی هزینه‌های بسیار صرف می‌شود، هرسال مبالغ هنگفتی به عنوان حقوق و دستمزد به مجریان برنامه هدایت تحصیلی(مشاوران و کارکنان اداری) در حوزه‌های ستادی و مناطق آموزش و پرورش پرداخت می‌شود و برای تشکیل و نگهداری پرونده‌های تربیتی- تحصیلی دانش‌آموزان هزینه‌های قابل توجهی صرف می‌شود. بدیهی است که «موجه بودن» صرف این همه هزینه به مناسب بودن

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

ملاکها و ضوابط هدایت تحصیلی و مطلوب بودن محصول برنامه وابسته است. بنابرآنچه بیان شد، نگارنده در این مقاله سعی می‌کند به سؤالهای زیر پاسخ دهد:

۱. در حال حاضر هدایت تحصیلی دانش‌آموزان چگونه انجام می‌شود و تفاوت آن با برنامه‌های قبلی چیست؟
۲. اهم یافته‌های مطالعات ناظر بر برنامه رسمی هدایت تحصیلی در ایران چیست؟
۳. برنامه رسمی هدایت تحصیلی در ایران با چه چالشهایی مواجه است؟
۴. چه عواملی بر بهگشت برنامهٔ رسمی هدایت تحصیلی مؤثرند؟

روش مطالعه

برای تدوین این مقاله، بیش از ۵۰ گزارش پژوهشی ناظر بر برنامه‌های رسمی هدایت تحصیلی و نیز ادبیات و تحلیلهای انعکاس یافته در رسانه‌های عمومی مطالعه شده و روش سنتز پژوهی برای مرور ادبیات و طبقه‌بندی مضامین به کار رفته است. تجارب ناظر بر اجرای برنامه‌های رسمی هدایت تحصیلی در طول چهار دهه گذشته با بهره‌گیری از اسناد مکتوب مورد مطالعه قرار گرفته و چالشها و عوامل بازدارنده موفقیت این برنامه‌ها تصریح شده است. بنابراین، این مقاله حاصل جمع‌بندی و ترکیب یافته‌های پژوهشهای انجام شده در طول چهار دهه گذشته است و در ردیف مقالات مروری قرار می‌گیرد.

هدایت تحصیلی دانش‌آموزان چگونه انجام می‌شود؟

براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش(۱۳۹۰)، ساختار نظام آموزشی تغییر یافته و نظام ۶-۳-۳ مستقر شد. مطابق برنامهٔ درسی ملی، دانش‌آموزان باید در پایان دورهٔ آموزش عمومی(پایهٔ نهم) شاخه و رشته تحصیلی خود را تعیین کنند. تعیین اولویت مسیرهای تحصیلی برای دانش‌آموز مستلزم بررسیهای تشخیصی است. این بررسیها با مدیریت مشاور تحصیلی انجام می‌شود و شامل اجرای آزمونهای استعداد و رغبت، نظرخواهی از دانش‌آموز، ولی دانش‌آموز، دبیران و مطالعه شاخصهای عملکرد تحصیلی در سه سال دورهٔ متوسطه اول است. دانش‌آموز می‌تواند تا سقف ۱۰۰ امتیاز برای ورود به شاخه یا رشته تحصیلی مورد علاقه کسب کند. ۳۵ امتیاز به عملکرد تحصیلی قبلی(نمره‌های دروس سه سال دورهٔ متوسطه اول) و ۶۵ امتیاز به نتیجه آزمونها و نظرخواهیها اختصاص یافته است. نمرهٔ همه دروس در این امتیاز سهم دارد، اما وزن هر درس در رشته‌ها و شاخه‌های تحصیلی یکسان نیست. ممکن است دانش‌آموزی دارای معدل بالا باشد اما در درسهای مرتبط با رشته مورد نظرش، نمره کمتری کسب کرده باشد. در مواد ۹۶ تا ۱۰۰ آئین‌نامهٔ آموزشی

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

دورهٔ متوسطه دوم آمده است: هدایت تحصیلی براساس چهار عامل(استعداد، علاقه، نیاز و امکانات کشور) انجام می‌شود. از این چهار عامل دو عامل(استعداد و علاقه) به دانش‌آموز و دو عامل دیگر(نیازهای شغلی و امکانات کشور) به جامعه مربوط است(زرافشان، ۱۳۹۵). در اینجا مفهوم «نیاز» به نیازهای شغلی جامعه در آینده و مفهوم «امکانات» به امکانات و منابع در دسترس آموزش و پرورش اشاره می‌کند. بنابراین، تعیین رشته تحصیلی به معنای انتخاب رشته ازسوی دانش‌آموز نیست، بلکه با ملاحظه نیازها و امکانات انجام می‌شود. به گفته زرافشان، یکی از کارهای مهم در زمینهٔ هدایت تحصیلی این است که گروههای ذی‌ربط، مسئولان دوره متوسطه اول، دانش‌آموزان و اولیای آنان با فرآیند هدایت تحصیلی به‌خوبی آشنا شوند و به اجرای صحیح آن کمک کنند. دست‌اندرکاران هدایت تحصیلی باید بدانند که در دوره متوسطه دوم چه شاخه‌ها و رشته‌هایی وجود دارند و آینده شغلی این شاخه‌ها و رشته‌ها و نیز نیازهای شغلی امروز و فردای کشور چیست تا بتوانند در هدایت تحصیلی مطلوب موفق شوند.

بنا به گفته شکوهی مدیر کل امور تربیتی و مشاوره وزارت آموزش و پرورش(۱۳۹۵)، در سال تحصیلی جاری، ۱۵ هزار مشاور، هدایت تحصیلی در حدود یک میلیون دانش آموز را در ۳۰ هزار دبیرستان دوره متوسطه اول عهده‌دار هستند. مشاوران موظف‌اند حداقل یک ساعت جلسه توجیهی در زمینه هدایت تحصیلی برای هر دانش آموز و ولی او برگزار کنند. شمار کل مشاوران ما با احتساب نیروهای ثابت، حق التدریسی و اعضای هسته‌های مشاوره ۲۱ هزار نفر هستند که ۱۵ هزار نفرشان در مدارس متوسطه دوره اول شاغل‌اند. هیچیک از مدارس دوره متوسطه اول ما بدون مشاور نیستند. در آئین‌نامه شورای عالی آموزش و پرورش به ازای هر ۱۵ دانش آموز یک ساعت مشاوره در نظر گرفته شده است. دانش‌آموز هیچ اجباری برای انتخاب رشته ندارد. برای دانش‌آموزان در فرم هدایت تحصیلی ۱۲ اولویت تعیین شده که می‌توانند هر کدام از این اولویتها را با توجه به امکانات منطقه انتخاب کنند.

مسئولان آموزش و پرورش انتظار دارند با اجرای برنامه هدایت تحصیلی، در دوره دوم متوسطه توزیع دانش‌آموزان در رشته و شاخه‌ها متوازن باشد. بنابر مادهٔ ۱۲ قانون وظایف شورای عالی آموزش و پرورش، این شورا به تعیین نسبت دانش‌آموزان در رشته‌ها و شاخه‌ها موظف شده است. علاوه براین، به موجب قانون برنامه پنجم توسعه کشور، وزارت آموزش و پرورش به توزیع متوازن دانش‌آموزان در رشته‌ها و شاخه‌های تحصیلی موظف شده است. براساس مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش و به منظور اصلاح هرم شغلی جامعه، مقرر شده ۴۸/۲۶ درصد دانش آموزان به

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش و ۵۱/۷۴ درصد باقیمانده در رشته‌های شاخه نظری توزیع شوند. بنابه گفتهٔ زرافشان معاون آموزش متوسطه، توزیع متوازن رشته‌های تحصیلی مهم‌ترین نقطه عطف در برنامهٔ هدایت تحصیلی است که تحقق بخشی به آن در یک سال ممکن نیست. باید تلاش کنیم به این نسبتها برسیم. در حال حاضر توزیع دانش‌آموزان در رشته‌ها و شاخه‌ها متوازن نیست. ثبت‌نام در رشته علوم تجربی افزایش و در رشته ریاضی- فیزیک کاهش یافته است. در رشته‌های کاردانش هم توزیع متوازن نیست. تراکم دانش‌آموز در سه رشته حسابداری، کامپیوتر و نقشه‌کشی معماری زیاد است .... نسبت قابل‌توجهی از دانش‌آموزان شاخه نظری وارد دوره پیش‌دانشگاهی نمی‌شوند. در سال جاری در حدود ۱۳۰ هزار دانش‌آموز رشته‌های نظری بعد از اخذ دیپلم در دورهٔ پیش دانشگاهی ثبت نام نکرده اند(زرافشان، ۱۳۹۵).

با این توصیف، به‌نظر می‌رسد برنامه جدید هدایت تحصیلی از روی برنامه اسبق راهنمایی تحصیلی که اجرای آن از سال ۱۳۵۰ آغاز شده، کپی شده است. اهداف، منابع، فرآیند و برونداد این دو برنامه یکسان بوده است. همچنین، ملاکها و روشهای اعلام شده در برنامه جدید با برنامه‌های قبلی متفاوت نیست. این واقعیت با مرور یافته‌های پژوهشهای انجام شده آشکار می‌شود.

تصویر هدایت تحصیلی در آئینه پژوهش

تجارب عملی اجرای برنامه‌های رسمی هدایت تحصیلی در گزارشهای پژوهشی انعکاس یافته است. مرور اجمالی یافته‌های مطالعات انجام شده این برآیند را به دست می‌دهد که برنامه‌های هدایت تحصیلی همواره با موانع و مشکلات بسیار مواجه بوده اند.

علیدوست ابدی‌خواه (۱۳۷۵) در پژوهش خود دریافت که در حدود ۶۸ درصد دانش‌آموزان رشته تحصیلی خود را با استعداد و علایق خود متناسب می‌دانند و از رشته خود رضایت دارند. ۳۲ درصد دانش‌آموزان از رشته خود رضایت ندارند. گروه کوچکی از مشاوران نظام جدید (۲۷/۵درصد) از رشته‌های مشاوره و راهنمایی، و اغلب آنان(۷۲/۵ درصد) از سایر رشته‌ها فارغ‌التحصیل شده‌اند. مشاوران و دبیران راهنما در امر هدایت تحصیلی با مشکلاتی مواجه اند که از میان آنها می‌توان به کافی نبودن فرصت برای آشنا ساختن دانش‌آموزان و اولیای آنان با آئین‌نامه هدایت تحصیلی، کمبود فضا و کمبود ظرفیت در برخی رشته‌ها اشاره کرد. دانش‌آموزان نظام جدید متوسطه در زمینهٔ هدایت تحصیلی با مشکلاتی مانند نداشتن اطلاعات کافی دربارهٔ آئین‌نامه هدایت تحصیلی، عدم ارائه راهنمایی و مشاوره کافی در مدرسه، نبودن رشته مورد علاقه در محل سکونت و نداشتن شرایط برای ورود به رشته مورد علاقه مواجه اند. بنابه گزارش الحسینی (۱۳۷۵) میان

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

امتیاز اختصاص داده شده از سوی مشاور و نمرهٔ آزمون رغبت تنها در رشته ریاضی فیزیک همبستگی معنادار(r=۰/۳۱) وجود دارد. در بقیه رشته‌ها این همبستگی معنادار نیست. امتیاز بررسیهای مشاوره‌ای از قدرت تمیز برخوردار نیست. بالی تیرکده(۱۳۷۵) در تحقیق خود دریافت که راهنماییها و توصیه‌های مشاور تحصیلی در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر نیست. در مقابل، منزلت اجتماعی رشته تحصیلی و شغل مرتبط با آن، سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده و نیز علاقه خود دانش‌آموز در انتخاب رشته تحصیلی مؤثر است.

نویدی(۱۳۷۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی سهم هر یک از ملاکهای هدایت تحصیلی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نظام جدید آموزش متوسطه» نتیجه گرفت که هر یک از ملاکهای هدایت تحصیلی در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نظام جدید آموزش متوسطه مشارکت دارد. با وجود این، بخش عمده‌ای از واریانس عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در دوره متوسطه از روی شاخصهای عملکرد تحصیلی قبلی(نمره‌های درسی) آنان قابل پیش بینی است و برای پیش‌بینی و تبیین پیشرفت تحصیلی، هیچ متغیری به اندازه عملکرد تحصیلی قبلی اهمیت ندارد. در حدود ۵۸ درصد واریانس پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته‌های ریاضی-فیزیک و علوم تجربی از روی عملکرد تحصیلی قبلی(نمره‌های درسی) آنان قابل پیش‌بینی است. این نسبت برای دانش‌آموزان رشته‌های علوم انسانی ۴۸ درصد، برای دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای ۲۱ درصد و برای دانش‌آموزان شاخه کاردانش ۱۱ درصد است. شاخصهای عملکرد تحصیلی قبلی به تنهایی قادرند آنچه را با همهٔ ملاکهای هدایت تحصیلی پیش‌بینی می‌شود، تبیین کنند و سهم سایر ملاکهای هدایت تحصیلی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی بعدی دانش‌آموزان معنادار نیست. محمدی(۱۳۷۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان مشارکت هر یک از ملاکهای هدایت تحصیلی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر نظام جدید آموزش متوسطه شهر اردبیل» به نتایجی مشابه یافته‌های نویدی دست یافت.

امیدیان(۱۳۷۸) درتحقیقی با عنوان «بررسی رابطه ساده و چندگانه امتیازات مشاوره‌ای با عملکرد تحصیلی بعدی به صورت تجمعی و عملکرد سالهای دوم و سوم دانش‌آموزان پسر دبیرستانهای دزفول در سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶»، نتیجه گرفت که همه ملاکهای هدایت تحصیلی(به استثنای امتیاز هوش) با پیشرفت تحصیلی همبستگی دارند. ضرایب همبستگی از ۰/۱۵ تا ۰/۴۱ متغیر است. وقتی‌که عملکرد تحصیلی در سال دوم به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته می‌شود و تنها سه متغیر نظر دبیران، نظر مشاور و امتیاز رغبت به عنوان متغیرهای تأثیرگذار انتخاب

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

می‌شوند، این سه متغیر در مجموع ۲۴ درصد واریانس متغیر ملاک را پیش‌بینی می‌کنند. وقتی که عملکرد تحصیلی سال سوم(معدل دروس) به عنوان ملاک انتخاب می‌شود، اثر امتیاز رغبت از بین می‌رود و دو متغیر نظر دبیر و نظر مشاور تنها ۷ درصد واریانس متغیر ملاک را پیش‌بینی می‌کنند. وقتی که از متغیرهای مربوط به عملکرد تحصیلی قبلی برای پیش‌بینی عملکرد تحصیلی بعدی استفاده می‌شود، سایر ملاکهای هدایت تحصیلی اثر پیش‌بینی کنندگی خود را از دست می‌دهند. معدل ترمهای اول و دوم متوسطه می‌تواند در حدود ۵۰ درصد واریانس معدل سال سوم متوسطه و حدود ۷۲ درصد معدل سال دوم متوسطه را پیش‌بینی کند.

براساس یافته‌های پژوهش علیدوست ابدی‌خواه (۱۳۷۰)، از روی نمره‌های دروس علوم تجربی و ریاضی دورهٔ سه ساله راهنمایی می‌توان ۴۹ درصد تغییرات عملکرد تحصیلی اختصاصی دانش‌آموزان پایه اول متوسطه در رشته‌های ریاضی-فیزیک و علوم تجربی را پیش‌بینی کرد. این توان پیش‌بینی برای رشته هنر ۲۸ درصد، برای رشته علوم انسانی ۲۴ درصد و برای رشته‌های گوناگون فنی و حرفه‌ای کمتر از ۱۰ درصد است. والدین و بستگان نزدیک بیشتر از کارکنان مدرسه در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموز نقش داشته‌اند. نزدیک به یک چهارم دانش‌آموزان اظهار کرده‌اند که به علل گوناگون نتوانسته‌اند در رشته مورد علاقه خود ثبت نام کنند.

جمالی(۱۳۶۷) تنگناهای هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که تنها ملاک رسمی تعیین رشته تحصیلی کسب حدنصاب نمره مربوط به آن رشته در دوره راهنمایی است. اغلب دانش‌آموزان با رشته‌های تحصیلی علوم تجربی، ریاضی-فیزیک و علوم انسانی و ادبیات آشنایی دارند و اطلاعی درباره سایر رشته‌ها ندارند. اولیای دانش‌آموزان درباره چگونگی انتخاب رشته تحصیلی اطلاعات مناسبی در اختیار ندارند و نمی‌توانند در انتخاب رشته به فرزندان خود کمک کنند. فقیه اردوبادی(۱۳۶۹) در مطالعه خود نتیجه گرفت که گرایش تحصیلی دانش‌آموزان منطقه چاپیاره با علایق تحصیلی-شغلی آنان و ویژگیهای اقتصادی منطقه متناسب نیست. در هدایت تحصیلی به ویژگیهای اقتصادی منطقه و علایق و استعداد دانش‌آموزان توجه نشده است. در حدود ۴۵ درصد دانش‌آموزان به رشته تحصیلی خود علاقه‌مند نیستند.

صدرالسادات(۱۳۵۴)، نحوهٔ هدایت تحصیلی دانش‌آموزان اولین دوره سه ساله راهنمایی در ایران را مطالعه کرد. این مطالعه نشان داد خود دانش‌آموز بیشتر از افراد دیگر در تعیین شاخه تحصیلی نقش دارد. در حدود ۴۱ درصد دانش‌آموزان نظر شخصی خود، ۲۲ درصد نظر مشاور و

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

۱۶ درصد آنان پدر و مادر را در انتخاب رشته تحصیلی خود مؤثر دانسته‌اند. شاخه تحصیلی سه چهارم دانش‌آموزان با توصیه مشاور مطابقت دارد. باوجود این، تنها ۲۲ درصد افراد اظهار داشتند که در انتخاب رشته به توصیه مشاور عمل کرده‌اند. در حدود ۵۰ درصد دانش‌آموزان شاخه‌های گوناگون تحصیلی از شاخه تحصیلی خود رضایت داشتند.

کیامنش و همکاران(۱۳۷۳) به هنگام ارزشیابی جامع برنامه نظام جدید آموزش متوسطه، دریافتند که تعداد مشاوران و زمان اختصاص داده شده برای مشاوره کافی نیست و اطلاعات داده شده به دانش‌آموزان نتوانسته نیازهای اطلاعاتی آنان را برطرف کند. ۹۰ درصد دانش‌آموزان اطلاعات خود را کافی نمی‌دانند. اقتداری نائینی(۱۳۸۰) و شریعتی نجف آبادی(۱۳۷۷) در زمینهٔ مشکلات و تنگناهای برنامه هدایت تحصیلی به نتایج مشابه دست یافتند. یوسف‌وند(۱۳۷۶) گزارش داد که مشاوران از ابزارهای مربوط به ملاکهای هدایت تحصیلی رضایت دارند ولی دانش‌آموزان رضایت کمتری دارند. طبق نظر مشاوران، طرح هدایت تحصیلی در دستیابی به اهداف خود موفق نبوده است. محمودی(۱۳۷۴) در مطالعه خود نتیجه گرفت که در حدود ۷۰ درصد دانش‌آموزان آگاهی خود را در مورد انتخاب رشته تحصیلی متوسط تا خیلی زیاد اعلام کرده‌اند. ۵۵ درصد دانش‌آموزان و دوسوم مدیران معتقدند که دانش‌آموزان مستعد رشته تحصیلی خود را براساس شناخت و آگاهی انتخاب می‌کنند. حدود ۵۰ درصد مدیران و ۶۸ درصد دانش‌آموزان به تأثیر غیرمستقیم درآمد خانواده و تحصیلات اولیای دانش‌آموزان در انتخاب رشته اشاره کرده‌اند. بیش از ۶۰ درصد مدیران اعتقاد دارند که مشاوران تحصیلی در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان نقشی مهم دارند، در حالی که کمتر از ۱۰ درصد دانش‌آموزان چنین اعتقادی دارند. نظری(۱۳۷۵) در تحقیق خود دریافت که اکثر والدین دانش‌آموزان نسبت به نظام جدید آموزش متوسطه آگاهی ندارند و معمولاً دانش‌آموزان به جای والدین خود فرمهای هدایت تحصیلی را تکمیل می‌کنند. دبیران در ارزیابی استعداد ویژه دقت نمی‌کنند و معمولاً براساس نمره‌های درسی، استعداد ویژه دانش‌آموزان را ارزیابی و به آن امتیاز می‌دهند. آزمونهای هوش و رغبت تحصیلی به سبب انتشار و نیز عدم رعایت شرایط و ضوابط اجرا، اعتبار خود را از دست داده‌اند و امتیاز مربوط به این آزمونها قابل اعتماد نیست. رخصت طلب(۱۳۷۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی تنگناهای هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در نظام جدید آموزش متوسطه» نتیجه گرفت که دانش‌آموزان برای انتخاب رشته از هر نظر دچار کمبود اطلاعات و کمبود منابع و مراکز کسب اطلاعات هستند. نیاز واقعی جامعه به‌طور واضح و صریح تعیین و اطلاع رسانی نشده‌است. فرآیندی به نام هدایت تحصیلی وجود

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

دارد، اما مجموعه فعالیتهایی که تحت این عنوان انجام می‌شوند در دستیابی به اهداف هدایت تحصیلی مؤثر و کافی نیستند. نظر والدین در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان تأثیری ندارد. ادریسی(۱۳۷۶) در مطالعه خود نتیجه گرفت که از نظر ۷۰ درصد مشاوران و دبیران راهنما فرصت کافی برای شناخت ویژگیهای شخصیتی دانش‌آموزان وجود ندارد. مشاوران و دبیران راهنما از تجربه کافی برخوردار نیستند و توصیه‌های آنان نمی‌تواند مفید باشد. با توجه به کثرت دانش‌آموزان، فرصت مصاحبه انفرادی وجود ندارد. پروندهٔ تحصیلی-تربیتی از نظر محتوا دارای نقایص فراوان است و قابل استفاده نیست. اغلب خانواده‌ها دربارهٔ فرآیند راهنمایی و هدایت تحصیلی شناخت کافی ندارند. تنها ۴۰ درصد دانش‌آموزان اولویت اول تعیین شده در فرم هدایت تحصیلی را انتخاب کرده‌اند. اعلایی(۱۳۷۶) گزارش داد که براساس نظر کارشناسان، بیشتر ملاکهای هدایت تحصیلی نظام جدید آموزش متوسطه به شرط تحقق یافتن بعضی از شرایط(نمرهٔ دروس مرتبط به شرط دقیق و جامع بودن امتحانات، نظر دانش‌آموز به شرط داشتن شناخت کافی از شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی، نظرات اولیا، دبیران و مشاور به شرط شناخت علایق و استعدادهای دانش‌آموزان و نیازها و امکانات جامعه) منطقی و مناسب هستند. باوجود این، استفاده از این ملاکها در عمل چندان رضایت بخش نیست. شمار بسیاری از دانش‌آموزان اولویت اول توصیه شده از طرف مدرسه را انتخاب نکرده‌اند و کسانی که اولویت اول را انتخاب کرده‌اند، موفقیت تحصیلی بیشتری نسبت به سایر دانش‌آموزان ندارند. علی‌پور(۱۳۷۶) گزارش داد که ضریب همبستگی نمره‌های درسی با بررسیهای مشاوره‌ای برابر ۰/۵۶ و با امتیازهای هوش و رغبت برابر ۰/۳۰ است. گنجی(۱۳۷۷) نتیجه گرفت که دانش‌آموزان شاخه کاردانش بدون در دست داشتن اطلاعات صحیح و دقیق از وضعیت رشته‌های شاخه کاردانش، به انتخاب رشته مبادرت کرده‌اند.

شفقتیان(۱۳۷۶) نظرات دانش‌آموزان و مشاوران آموزش و پرورش شهر زنجان را درباره ملاکها و ضوابط هدایت تحصیلی مطالعه کرده و گزارش داده است که دانش‌آموزان درباره شرایط و ویژگیهای رشته‌های تحصیلی نظام جدید آموزش متوسطه آگاهی ندارند. سه چهارم مشاوران اعتقاد دارند راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان با نیازها و امکانات کشور هماهنگ نیست. اکثر مشاوران معتقدند دبیران با شناخت کم به دانش‌آموزان امتیاز می‌دهند. حاجی‌وند (۱۳۷۷) گزارش داد که امتیاز آزمون ریون تنها بخش کوچکی از واریانس پیشرفت تحصیلی بعدی را پیش‌بینی می‌کند و مناسب بودن این امتیاز مورد تردید است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

عباس‌نسب(۱۳۷۸) گزارش داد که تأثیر درس برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان قابل توجه نبوده است. بیش از نیمی از مشاوران دربارهٔ رضایت دانش‌آموزان از رشته انتخابی تردید دارند. محمدی(۱۳۷۷) نتیجه گرفت که دانش‌آموزان بر تأثیر مثبت درس برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی در تصمیم‌گیری اذعان دارند ولی مشاوران در این مورد تردید دارند. رجبلو(۱۳۷۹) در مطالعه خود نتیجه گرفت که مشاوران مدارس متوسطه با کمبود امکانات(اتاق کار، ابزارهای سنجش و آزمونهای روانشناختی، زمان کافی و همکاری کارکنان مدرسه و اولیای دانش‌آموزان) مواجه هستند. بیش از ۹۵ درصد مشاوران دارای مدرک تحصیلی کارشناسی هستند ولی تنها ۲۸ درصد آنان فارغ‌التحصیل رشته‌های مشاوره و روانشناسی هستند. ۴۳ درصد آنان کمتر از ۲ سال سابقه کاری مرتبط دارند. مشاوران از الزام انجام دادن کارهای اداری(تشکیل پرونده تحصیلی و ...) دچار خستگی و نارضایتی شده اند. حمیدی پور(۱۳۷۹) در مطالعه خود نتیجه گرفت که دانش‌آموزان به اولویت بندی رشته‌های تحصیلی از سوی مشاوران توجهی ندارند. امتیاز بررسیهای مشاوره‌ای، به تنهایی، ۱۷ درصد واریانس پیشرفت تحصیلی بعدی را پیش‌بینی می‌کند. ملاکهای مربوط به عملکرد تحصیلی قبلی می‌تواند در حدود ۵۱ درصد واریانس پیشرفت تحصیلی بعدی را تبیین کند. اضافه کردن بررسیهای مشاوره‌ای به معادله رگرسیون قدرت پیش‌بینی را تنها دو درصد افزایش می‌دهد. وقتی که از همه ملاکهای هدایت تحصیلی برای پیش‌بینی عملکرد تحصیلی بعدی استفاده می‌شود، ۵۵ درصد واریانس عملکرد تحصیلی بعدی قابل پیش‌بینی است.

افشاری(۱۳۷۵) نتیجه گرفت که در حدود ۷۹ درصد دانش‌آموزان شاخه کاردانش، رشته تحصیلی خود را براساس علاقه خود انتخاب کرده‌اند و معتقدند رشته انتخابی با استعداد تحصیلی آنان متناسب است. با وجود این، تنها ۳۷ درصد دانش‌آموزان از اهداف تحصیلی شاخه کاردانش آگاهی دارند و ۳۶ درصد دانش‌آموزان مشورت با مشاور مدرسه را در انتخاب رشته تحصیلی مؤثر دانسته‌اند. بنابر اظهارات مشاوران، دانش آموزانی به رشته‌های شاخه کاردانش روی می‌آورند که شرایط ورود به سایر رشته‌ها را کسب نکرده‌اند و علی‌رغم میل و علاقه خود در رشته‌های مهارتی ثبت‌نام کرده‌اند. مهدی زاده (۱۳۷۶) گزارش کرده که ۵۴ درصد فارغ‌التحصیلان اعلام کرده‌اند که از روی ناچاری به انتخاب شاخه کاردانش تن داده‌اند. یک‌سوم فارغ‌التحصیلان کاردانش از نتیجه حرفه‌آموزی در شاخه کاردانش و فارغ‌التحصیل شدن از این شاخه رضایت نداشتند. در مطالعه‌ای دیگر، برخی از دانش‌آموزان نمونه آماری اظهارداشتند که شاخه کاردانش به آنها تحمیل شده است و برای گریز از ترک تحصیل به این شاخه روی آورده‌اند(شهسواری فرد، ۱۳۷۵). براساس گزارش

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

رستمی آقاجری(۱۳۷۷)، مدیران و دبیران شاغل در واحدهای کاردانش اعتقاد دارند که شاخهٔ کاردانش با علاقه و انگیزه دانش‌آموزان تناسب ندارد. رستگاران(۱۳۷۷) با انجام دادن مطالعه‌ای، نتیجه گرفت که مشاوران در زمینه هدایت تحصیلی با مشکلاتی مانند بی‌توجهی والدین به استعداد فرزندان و عدم تمایل دانش‌آموزان به انتخاب رشته‌های کاردانش و فنی و حرفه‌ای مواجه هستند. منشی(۱۳۸۹) گزارش داد که نگرش جنسیتی نسبت به رشته، اجبار اجتماعی و علاقه و استعداد در انتخاب رشته تحصیلی مؤثرند. تنها حدود ۴۹ درصد از دانش‌آموزان(۴۳ درصد دختران و ۵۴ درصد پسران) در اولویت اول رشته پیشنهادی در فرم هدایت تحصیلی ثبت نام کرده‌اند. کلهر(۱۳۹۴) نتیجه گرفت که ترس از شکست تحصیلی در رشته‌های نظری، قوی‌ترین عامل مؤثر در انتخاب رشته‌های فنی و حرفه‌ای برای دانش‌آموزان است و پس از آن وضع مالی خانواده دانش‌آموز قرار دارد.

چالشهای پایدار برنامه رسمی هدایت تحصیلی

واژه چالش[1] به معنای به مبازه طلبیدن، بازخواست کردن، مورد سؤال قرار دادن و مخالفت کردن است(باطنی، ۱۳۸۵). وجود چالش در هر زمینه بر شکننده بودن تعادل وضع موجود دلالت دارد و ضرورت تغییر و سازگاری مؤثر با شرایط جدید را نشان می‌دهد. در اینجا «چالش» به مجموعه شرایط، واقعیتها، دلایل و شواهدی اطلاق می‌شود که وضع موجود نظام هدایت تحصیلی رسمی را به مبارزه طلبیده و یا مفید بودن برنامه‌های جاری را مورد تردید قرار داده است و مسئولان نظام آموزشی را به تغییر وضع موجود و سازگاری با شرایط نوین فرا می‌خواند. به بیانی دیگر، موقعیتها و شرایطی که موفقیت برنامه‌های هدایت تحصیلی را با مخاطرات جدی مواجه می‌سازد، می‌توان به‌عنوان چالشهای این برنامه‌ها به حساب آورد. مرور یافته‌های پژوهشهای انجام شده این استنباط را به دست می‌دهد که در کشور ما چالشهای ناظر بر برنامه‌های هدایت تحصیلی در طول زمان پایدار بوده‌اند. در واقع، همان عواملی که در دهه ۱۳۵۰ در تضعیف و شکست برنامه هدایت تحصیلی نقش داشتند، در دهه ۱۳۹۰ هم حضور دارند و موفقیت برنامه هدایت تحصیلی را تهدید می‌کنند. عوامل تهدید کننده یا چالشهای ناظر بر برنامه‌های هدایت تحصیلی را می‌توان در پنج گروه خلاصه کرد:

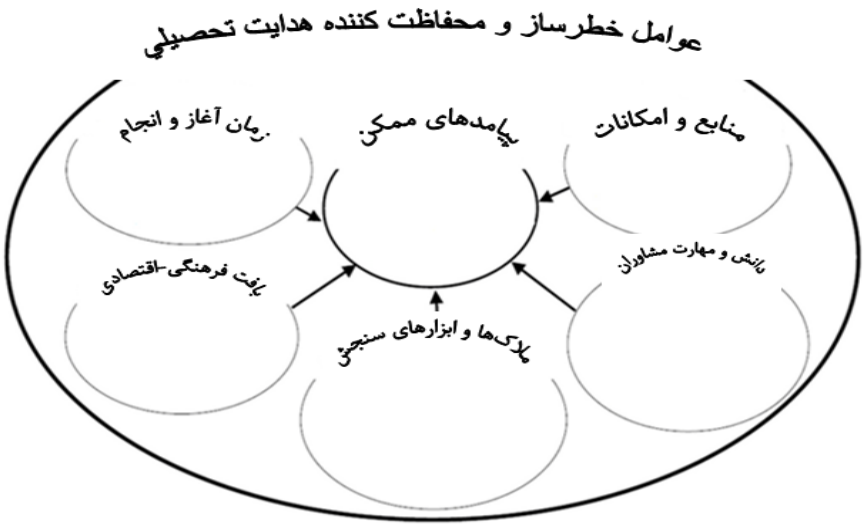
- مساعد نبودن بافت و زمینهٔ هدایت تحصیلی
- مناسب نبودن زمان(نابهنگام بودن) هدایت تحصیلی

1. Challenge

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

- کافی نبودن دانش و مهارت مشاوران
- کافی نبودن منابع و امکانات نرم افزاری و سخت افزاری
- مناسب نبودن ملاکها و فرآیند هدایت تحصیلی



نمودار۱: چالش‌های پایدار هدایت تحصیلی در ایران

بحث و نتیجه‌گیری

هدایت تحصیلی در بافت و زمینه‌ای انجام می‌شود که به نظر می‌رسد چندان مساعد نیست. براساس نظر اغلب صاحب‌نظران، نظام اقتصادی و فرهنگی ما از اختلالهای گوناگون رنج می‌برد. بیکاری، مشاغل کاذب، تورم و ... از ناسالم بودن وضعیت اقتصادی حکایت می‌کنند. اقتصاد متکی بر درآمد نفت و رانت جویی بر اقتصاد تولیدی غلبه دارد. همچنین، در سالهای اخیر اذهان و افکار عمومی به سبب شنیدن اخبار مربوط به مناسبات اقتصادی مشوش شده است. به‌طوری که در افکار عمومی، مستقل بودن کار و تلاش از رفاه شخصی و منزلت اجتماعی مطرح می‌شود. «وقتی که مناسبات غلط اقتصادی در جامعه حاکم باشد، وقتی که رانت‌خواری رواج داشته باشد، وقتی که سوءاستفاده از قدرت برای به دست آوردن ثروتهای بادآورده رواج داشته باشد، کسی که تولید کننده و زحمتکش واقعی است، ناامید می شود»(آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳). در جایی که اختلال در نظام اقتصادی به سرمایه‌ها و موقعیتهای بادآورده منجر می‌شود و سرمشق و الگوهای جوانان کسانی می‌شوند که موقعیت و سرمایه خود را نه از راه استعدادهای خدادادی و شایستگی و تلاش،

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

بلکه از راه نفوذ نامشروع به مراکز قدرت و استفاده از ضعفهای قانونی و وابستگیهای خاص به‌دست آورده‌اند، هدایت تحصیلی و توسعه منابع انسانی در اولویت قرار نمی‌گیرد و برانگیخته شدن خانواده‌ها و فرزندان آنان برای توسعه استعدادهای ذاتی بعید به‌نظر می‌رسد. به سبب افزایش نسبی سطح رفاه عمومی، گسترده‌تر شدن شهرنشینی، توسعه طبقه متوسط جامعه، رشد فزایندهٔ آگاهی و تشدید تحرک اجتماعی، مردم حاضر نیستند به نقشها و جایگاههای از پیش تعیین‌شده تسلیم شوند. بر اثر پایین بودن منزلت اجتماعی، طبقه متوسط اجتماع آموزش فنی و حرفه‌ای را برای فرزندان خود ترجیح نمی‌دهند. انگیزه‌های خانواده با ارزشهای خاصی پیوند خورده و برخی از ارزشها در جامعه برجسته شده‌اند. عافیت‌طلبی خانواده‌ها و فرزندان، گرایش اغلب خانواده‌ها به مسیرهای خاص موفقیت، همنوایی اجتماعی و رواج چشم هم چشمی، مدرک‌گرایی، مسدود بودن مسیرهای برخی از استعدادها، ناهماهنگی میان نیازهای فرد و جامعه و کمبود سرمایه اجتماعی، بخشی از بافت موجود را تشکیل می‌دهند که می‌تواند شرایط را برای اجرای برنامه‌های هدایت تحصیلی نامساعد سازد. در چنین شرایطی، هدایت تحصیلی مفهوم اصلی خود را از دست داده و برنامه‌های آن چندان موفقیت‌آمیز نخواهد بود زیرا واقعی بودن و جدی بودن نیاز افراد و جامعه به توسعه ظرفیتهای بالقوه مورد تردید قرار می‌گیرد.

براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، هدایت تحصیلی به عنوان فرآیندی مستمر، هدایت دانش‌آموزان از دورهٔ ابتدایی تا پایان دورهٔ متوسطه را در برمی‌گیرد و مختص انتخاب رشته در یک مقطع زمانی مانند پایهٔ نهم نیست. صرف نظر از احکام سند تحول، هدایت تحصیلی دانش‌آموزان از سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ در پایان پایه نهم برای ورود دانش‌آموزان به دورهٔ متوسطه دوم و پایه دهم انجام می‌شود. باوجود این، دربارهٔ مناسب بودن پایه نهم برای انتخاب قطعی رشته تحصیلی تردید جدی وجود دارد. در سه سال متوسطه اول، فرصتها و آزمونها برای بروز و بیان ظرفیتهای بالقوه، دریافت پسخوراند و محک خوردن دانش‌آموز کافی نیست. در واقع، در سه سال متوسطه اول، دانش‌آموزان از لحاظ عملکرد تحصیلی چندان متمایز نیستند و نمره‌های درسی آنان به یکدیگر شبیه است. در نتیجه، خود دانش‌آموز و اولیای او نمی‌توانند به اتکای اندازه‌های عملکرد تحصیلی سه ساله، مسیر تحصیلی آینده را انتخاب کنند. تفکیک زودهنگام شاخه‌های تحصیلی و انداختن دانش‌آموز در یک مسیر باریک تحصیلی در حالی صورت می‌گیرد که این نوجوان ۱۵ ساله هنوز از منابع بالقوه و ظرفیتهای شناختی و عاطفی خود شناخت کافی ندارد. همچنین، اهداف و محتوای شاخه‌های تحصیلی چندان متمایز نیست و انتقادهای جدی درباره تفکیک شاخه‌ها و

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

رشته‌های تحصیلی وجود دارد. در دوره دوم متوسطه منطق تفکیک شاخهٔ فنی و حرفه‌ای از شاخهٔ کاردانش، رشتهٔ ریاضی-فیزیک از رشتهٔ علوم تجربی و رشتهٔ علوم انسانی از معارف اسلامی، قابل دفاع نیست.

محدودیت امکانات، کمبود زمان و فضا، ابهام در وظایف محوله و ... مانع عملکرد مطلوب مشاوران می‌شود. علاوه بر وجود مشاوران متخصص، متعهد و علاقه‌مند، وجود فضای فیزیکی و روانی مناسب، منابع اطلاعاتی کافی، زمان کافی، همکاری کارکنان واحد آموزشی، دانش‌آموزان و اولیای آنان و از همه مهم‌تر بافت اجتماعی و فرهنگی مساعد برای تحقق یافتن اهداف و مقاصد اصلی برنامه هدایت تحصیلی ضرورت دارد. شواهد پژوهشی موجود(برای مثال، دفتر برنامه‌ریزی امور فرهنگی و مشاوره، ۱۳۸۰) نشان می‌دهند که امکانات کافی و شرایط مطلوب برای ارائه خدمات مشاوره فراهم نشده است. یافته‌های بسیاری از پژوهشها مورد استناد در این گزارش نشان می‌دهند که مشاوران شاغل در واحدهای آموزشی از ویژگیهای مطلوب برخوردار نیستند و عملکرد آنان رضایت‌بخش نیست. جانفشان(۱۳۷۶) با استناد به تعدادی از شواهد پژوهشی(مژگان، ۱۳۵۹؛ اشتری، ۱۳۶۲؛ جنابی، ۱۳۶۲؛ جمالی، ۱۳۶۷؛ نظری، ۱۳۷۱؛ صحاف، ۱۳۷۳؛ کیامنش، ۱۳۷۳؛ سجادنیا، ۱۳۷۵؛ علیدوست ابدی‌خواه، ۱۳۷۵؛ غریب، ۱۳۷۵)، نتیجه گرفت که عملکرد مشاوران در سه حیطه خدمات مشاوره‌ای(اطلاع‌رسانی، شناختی و مشاوره‌ای) ضعیف است. علیدوست ابدی‌خواه(۱۳۷۰) و رجبلو(۱۳۷۹) نشان دادند که بیش از ۷۰ درصد مشاوران از رشته‌های غیرمرتبط فارغ‌التحصیل شده‌اند. باوجود این، میان عملکرد مشاوران متخصص و غیرمتخصص تفاوت معناداری وجود ندارد(عزتی، ۱۳۷۵). به نظر می‌رسد مشاوران به انجام اموری موظف شده‌اند که نیازی به تخصص ندارد. آنان غالباً وقت خود را صرف امور دفتری(تشکیل پرونده تربیتی-تحصیلی) می‌کنند و فرصتی برای انجام وظایف تخصصی ندارند(رجبلو، ۱۳۷۹).

مطابق آئین‌نامهٔ آموزشی دورهٔ متوسطه دوم، هدایت تحصیلی براساس چهار عامل(استعداد، علاقه، نیاز جامعه و امکانات کشور) انجام می‌شود. بنابراین، تعیین رشته تحصیلی به معنای انتخاب رشته از سوی دانش‌آموز نیست بلکه با ملاحظه نیازها و امکانات انجام می‌شود. در نگاه کلی این چهار عامل مناسب به نظر می‌رسند. باوجود این، تعریف عملیاتی و روشهای سنجش این متغیرها به هیچ وجه قابل اعتماد نیست. «نیاز جامعه» چندان روشن نیست. در غیاب شواهد عینی و مستند، نمی‌توان نیازهای جامعه را تعیین کرد. درک شهودی و ادعای غیرمستند مسئولان آموزش و پرورش دربارهٔ نیازهای جامعه قابل اتکا نیست. در بسیاری از مطالعات داخل کشور(برای مثال، شکرکن،

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

۱۳۶۷؛ لرستانی، ۱۳۸۱؛ نفیسی، ۱۳۷۸؛ مهرعلی‌زاده، ۱۳۸۴؛ شریعت‌زاده، ۱۳۸۵؛ نویدی و برزگر، ۱۳۹۱) به ناهماهنگی میان نیازهای جامعه و برنامه‌های آموزشهای فنی و حرفه‌ای، به عنوان یکی از موانع توسعه آموزشهای فنی و حرفه‌ای، اشاره شده است. نفیسی(۱۳۷۸) در هنگام بررسی نارساییهای ارتباط نظامهای آموزش و پرورش و بازار کار نتیجه گرفت که گسترش آموزشهای فنی و حرفه‌ای و کاردانش اصولاً از نیازهای فعلی و آتی بازار کار نشأت نمی‌گیرد، بلکه بیش از هر چیز از امکانات مالی، انسانی و کالبدی تبعیت می‌کند. از سویی هم، ساختار بخشهای صنعت، خدمات و کشاورزی برای توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای مناسب نیست. «امکانات کشور»، به منزلهٔ یکی از عوامل هدایت تحصیلی، مبهم و قابل تفسیر است. باید توجه داشت که امکانات چگونه تعریف می‌شود و هنرستانها در شرایط حاضر با چه کیفیتی اداره می‌شوند. بدون تردید، اغلب هنرستانها با کمبود منابع نرم افزاری و سخت افزاری مواجه اند.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین عنصر برنامه هدایت تحصیلی، ملاکها و ابزارهایی است که مشاوران تحصیلی در اختیار دارند. ملاکها یا متغیرهای سهیم در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. عملکرد تحصیلی قبلی(سوابق تحصیلی) در سه سال دورهٔ راهنمایی سابق یا دورهٔ متوسطه اول فعلی.
۲. استعداد تحصیلی اختصاصی(برآورد شده از سوی معلمان).
۳. هوش یا استعداد تحصیلی عمومی.
۴. علاقه‌مندی به رشته تحصیلی(رتبه‌بندی شده از سوی دانش‌آموز)
۵. اولویت یا مناسب بودن رشته تحصیلی(رتبه‌بندی شده از سوی اولیای دانش‌آموز).
۶. رغبت تحصیلی- شغلی.
۷. نتیجهٔ بررسیهای مشاوره‌ای(امتیاز تخصیص یافته از سوی مشاور تحصیلی).

انتظار می‌رود که هر یک از عوامل یاد شده در موفقیت تحصیلی دانش‌آموز و نیز رفع نیازهای جامعه نقشی تعیین کننده داشته باشد. مناسب بودن هریک از ملاکهای هدایت تحصیلی را می‌توان براساس مشارکت آن ملاک در تبیین میزان موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان ارزیابی کرد. بر اساس مبانی نظری، به‌ویژه نظریه یادگیری آموزشگاهی بلوم(۱۹۸۲) و نیز بر مبنای یافته‌های پژوهشی، می‌توان نتیجه گرفت که برای پیش‌بینی و تبیین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، هیچ متغیری به اندازه عملکرد تحصیلی قبلی آنان اهمیت ندارد. نویدی(۱۳۷۸) نشان داد که نمره‌های دروس

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

اختصاصی دورهٔ راهنمایی و سال اول متوسطه، به تنهایی قادرند نقش همهٔ ملاکهای هدایت تحصیلی را انجام دهند. اما، این ملاک(نمره‌های درسی) در صورتی مناسب است که آزمونهای پیشرفت تحصیلی معلم ساخته از روایی و پایایی کافی برخوردار باشند. در سالهای اخیر دربارهٔ روایی و پایایی نمره‌های درسی کسب شده تردیدهای مطرح شده است. برای مثال، اسفندیار چهاربند مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران در مصاحبه‌ای گفته است فقط ۳۰ درصد امتحانات داخلی مدارس قابل تایید است(به نقل از فرجی، ۱۳۹۵).

دربارهٔ مناسب بودن و فایده عملی ملاکهای هدایت تحصیلی، با توجه به تعریف عملیاتی و کیفیت و فرآیند سنجش متغیرها، تردید جدی وجود دارد. بررسیهای مشاوره‌ای بر داده‌های عینی و معتبر استوار نیستند. ابزارها و روشهای معرفی شده برای سنجش استعداد و رغبت تحصیلی دانش‌آموزان نه تنها از ویژگیهای مطلوب برخوردار نیستند، بلکه اندازه‌های حاصل از اجرای این ابزارها نیز قابل اعتماد نیستند. نه تنها دربارهٔ مناسب بودن ابزارهای اندازه‌گیری استعداد و رغبت تحصیلی، بلکه دربارهٔ مناسب بودن فرآیند سنجش این متغیرها نیز تردید جدی وجود دارد. مشاوران بدون توجه به آمادگی ذهنی و روانی و صرفاً براساس سلیقه و حوصله خود، ساعتی را برای اجرای آزمونها اختصاص می‌دهند. معمولاً دانش‌آموزان دربارهٔ چرایی، چگونگی و نتیجه آزمونها به اندازه کافی توجیه نیستند. در نتیجه، ممکن است حتی آن را جدی نگیرند و نیمه‌کاره رها کنند. سطح دانش، تخصص و انگیزش معلمان برای کشف استعداد دانش‌آموزان کافی نیست. همچنین، معلمان، با توجه به کثرت دانش‌آموزان، زمان کافی در اختیار ندارند. معمولاً معلمان برای رتبه‌بندی سازه استعداد از همان نمره‌های درسی استفاده می‌کنند. دانش‌آموزان و اولیای آنان دربارهٔ هدایت تحصیلی اطلاعات کافی ندارند و معمولاً نمی‌توانند نتیجه انتخاب خود را پیش‌بینی کنند.

صرف‌نظر از کیفیت ورودی و فرآیند نظام هدایت تحصیلی، خروجی این نظام چندان رضایت‌بخش نبوده است. از شواهد پژوهشی موجود(برای مثال، علیدوست ابدی‌خواه، ۱۳۷۰؛ افشاری، ۱۳۷۵؛ شهسواری‌فرد، ۱۳۷۵؛ مهدی‌زاده، ۱۳۷۶؛ کبریایی نوش‌آبادی، ۱۳۷۹) چنین استنباط می‌شود که حاصل اجرای برنامه هدایت تحصیلی رضایت‌بخش نبوده است. به نشانه‌های نابسامانی نظام هدایت تحصیلی در اغلب پژوهشهای انجام شده اشاره شده است. آمارهای موجود نشان می‌دهند که توزیع دانش‌آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در رشته‌های فرعی این دو شاخه متوازن نیست. بیش از یک سوم جمعیت دانش آموزی در چهار رشته از مجموع ۴۱ رشته شاخه فنی و حرفه ای ثبت نام کرده‌اند. در شاخه کاردانش از مجموع ۱۵۳ رشته کاردانش، جمعیت

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

۸ رشته پرجمعیت به اندازه ۱۴۵ رشته باقی‌مانده است. شاید بتوان گفت حدود ۸۰ درصد جمعیت دانش‌آموزی شاخه کاردانش در رشته‌های کامپیوتر، حسابداری بازرگانی، پویانمایی، گرافیک، الکتروتکنیک، طراحی و دوخت و مکانیک خودرو توزیع شده‌اند. بر اثر غفلت از نیازهای واقعی جامعه، شمار قابل توجهی از دانش‌آموختگان در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی اشتغال نیافته‌اند. شمار قابل توجهی از دانش‌آموزان به رشته تحصیلی خود علاقه‌مند نیستند و این امر افت تحصیلی را تشدید می‌کند. دانش آموزانی که وارد رشته‌های آموزشهای فنی و حرفه‌ای می‌شوند، غالباً از طبقه پایین اجتماع هستند و از ویژگیهای مطلوب (شناختی، عاطفی و روانی ـ حرکتی) برخوردار نیستند و تعامل این وضع با کیفیت پایین برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، به وخامت اوضاع می‌افزاید. نگرش گروههای ذی‌ربط(دانش‌آموزان، اولیای دانش‌آموزان، مدیران، مشاوران، معلمان و کارشناسان) نسبت به برنامه هدایت تحصیلی چندان مثبت نیست و حتی شواهدی از واکنشهای منفی این گروهها وجود دارد. دانش‌آموزان نسبت به راهنماییها و توصیه‌های مشاوران بی‌اعتنایی نشان می‌دهند. اغلب مشاوران تصور می‌کنند که فعالیتهای جاری آنان چندان مفید و مؤثر نیست و بر اثر اشتغال ناخواسته به وظایف غیرتخصصی(امور دفتری روزمره) انگیزه فعالیت متعهدانه را از دست داده‌اند. وضع نامطلوب برنامه‌ها و فعالیتهای هدایت تحصیلی و امور مشاوره، نگرش منفی پژوهشگران و افراد آگاه را به‌طور فزاینده افزایش می‌دهد و نظام آموزشی را از مشارکت فعال آنان محروم می‌سازد.

بنابر آنچه بیان شد، اتخاذ تدابیر و سیاستهای مناسب برای ایجاد زمینهٔ مساعد و فرهنگ‌سازی برای در اولویت قرار دادن توسعه منابع انسانی و برانگیخته شدن خانواده‌ها برای توسعه استعدادهای ذاتی فرزندان، اقدامهای مناسب برای تقویت منابع نرم افزاری و برطرف کردن ضعف مشهود برنامه‌ریزی، تصریح نیازها و امکانات جامعه، اندازه‌گیری دقیق ویژگیهای شخصیتی و ظرفیتهای بالقوه دانش‌آموزان، تأمین منابع، تربیت و استخدام افراد متخصص و کارآمد و نیز ارتقای سطح دانش و مهارت حرفه‌ای مشاوران تحصیلی، توجیه و متعهد ساختن گروههای ذی‌ربط، تداوم شناسایی و هدایت تحصیلی و استمرار در انجام دادن پژوهش و ارزشیابی اقدامها و برنامه‌ها، عواملی هستند که می‌توانند به بهگشت برنامهٔ هدایت تحصیلی بینجامند.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

منابع

ادریسی، نعمت‌الله. (۱۳۷۶). *بررسی مشکلات اجرایی موجود در روند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه نظام جدید شهر یزد*. گزارش طرح پژوهشی، یزد: اداره کل آموزش و پرورش استان یزد.

اعلایی، غلامحسین. (۱۳۷۶). *ارزشیابی ملاکهای هدایت تحصیلی نظام جدید متوسطه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

افشاری، غلامحسین. (۱۳۷۵). *نظرات دبیران مشاور و دانش‌آموزان در رابطه با برخی عوامل گرایش به شاخه کاردانش نظام جدید متوسطه در شهرستان دزفول*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.

اقتداری نائینی، احمد. (۱۳۸۰). *بررسی مشکلات اجرایی مشاوران نظام جدید متوسطه در انجام وظایف محوله و راه‌حل‌های پیشنهادی برای رفع مشکلات از دیدگاه مشاوران، دبیران مدارس متوسطه دولتی و کارشناسان مشاوره استان‌های کشور در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸*. گزارش طرح پژوهشی. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

الحسینی، سیدرضا. (۱۳۷۵). *مطالعه اجرای آزمون رغبت‌سنج تحصیلی-شغلی و آزمون هوش بر هدایت تحصیلی دانش‌آموزان نظام جدید آموزش متوسطه استان مرکزی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اراک: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

امیدیان، مرتضی. (۱۳۷۸). *بررسی رابطه ساده و چندگانه امتیازات مشاوره‌ای با عملکرد تحصیلی بعدی به‌صورت تجمعی و عملکرد سال‌های دوم و سوم دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های دزفول در سال تحصیلی ۱۳۷۷-۱۳۷۶*. گزارش طرح پژوهشی. اهواز: اداره کل آموزش و پرورش خوزستان.

باطنی، محمدرضا. (۱۳۸۵). *فرهنگ معاصر پویا(انگلیسی- فارسی)*. تهران: فرهنگ معاصر.

بالی تیرکده، محمدولی. (۱۳۷۵). *بررسی عوامل مؤثر در هدایت تحصیلی-شغلی دانش‌آموزان نظام جدید آموزش متوسطه برای انتخاب رشته تحصیلی و شغل آینده خویش در شهرستان نوشهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۱). تهران: وزارت آموزش و پرورش، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

بلوم، بنجامین. اس. (۱۹۸۲). *ویژگیهای آدمی و یادگیری آموزشگاهی*، ترجمه علی اکبر سیف، (۱۳۶۳). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

جانفشان، شهره. (۱۳۷۶). *ارزیابی عملکرد مشاوران هدایت تحصیلی نظام جدید از نظر مشاوران و دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان‌های دخترانه نواحی چهارگانه شیراز در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵*. گزارش طرح پژوهشی. شیراز: اداره کل آموزش و پرورش استان فارس.

جمالی، محمدعلی. (۱۳۶۷). *بررسی تنگناهای موجود در نظام هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در گذر از راهنمایی به دبیرستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت معلم، دانشکده علوم تربیتی.

حاجی‌وند، غلامرضا. (۱۳۷۷). *بررسی اعتبار نتایج آزمون هوش ریون در تعیین استعداد و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان مدارس متوسطه استان فارس*. گزارش طرح پژوهشی. شیراز: اداره کل آموزش و پرورش استان فارس.

حسینی، سید مهدی. (۱۳۸۱). طرح نظام مشاوره و راهنمایی در مقاطع مختلف تحصیلی. در *مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش*، صص. ۲۲۴-۲۱۱. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

حسینی خامنه‌ای، سید علی.(۱۳۸۳). بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم همدان. *خبرگزاری فارس*، ۱۳۸۳/۴/۱۵.

حمیدی پور، رحیم. (۱۳۷۹). *بررسی رابطه هدایت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر سال دوم دبیرستان‌های نظام جدید شهرستان‌های استان تهران*. گزارش طرح پژوهشی. تهران: اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران.

دفتر برنامه‌ریزی امور فرهنگی و مشاوره. (۱۳۸۰). *اظهارنظر در خصوص پژوهش مربوط به هدایت تحصیلی(مفاد نامه ارسالی به دفتر وزارتی)*. وزارت آموزش و پرورش، دفتر برنامه‌ریزی امور فرهنگی و مشاوره.

رجبلو، مهدی. (۱۳۷۹). *بررسی مسائل مشاوره در آموزشگاه‌های متوسطه استان گلستان از دیدگاه مشاوران*. گزارش طرح پژوهشی. گرگان: اداره کل آموزش و پرورش استان گلستان.

رخصت‌طلب، کاظم. (۱۳۷۵). *بررسی تنگناهای هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در نظام جدید آموزش متوسطه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.

رستگاران، محبوبه. (۱۳۷۷). *بررسی مسائل و مشکلات مشاوران نظام جدید آموزش متوسطه در انجام وظایف خود و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان*. گزارش طرح پژوهشی. همدان: اداره کل آموزش و پرورش استان همدان.

رستمی آقاجری، ایرج. (۱۳۷۷). *بررسی مسائل و محدویت‌های آموزشی شاخه کاردانش نظام جدید آموزش متوسطه از دیدگاه دبیران و مدیران، باتوجه به اهداف نظام آموزش متوسطه در شهر شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

زرافشان، علی. (۱۳۹۵). هدایت تحصیلی دانش‌آموزان چگونه انجام می‌شود؟ *رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش*، (۴۳)، ۲۲-۲۷.

سراج، ناصر. (۱۳۹۵). هدایت تحصیلی اجباری حذف شد. خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی، *آنا*، ۱۳۹۵/۵/۱۰.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). تهران: وزارت آموزش و پرورش، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

شریعت زاده، مهدی. (۱۳۸۵). *طراحی الگوی انطباق و سازگاری رشته‌های کاردانش با نیازهای بازار کار در شهر تهران*. گزارش طرح پژوهشی، سازمان آموزش و پرورش شهر تهران.

شریعتی نجف‌آبادی، سید حسین. (۱۳۷۷). *بررسی مشکلات اجرایی شاغلین به مشاوره در انجام وظایف محوله در مدارس نظام جدید آموزش و پرورش شهر تهران از دیدگاه مشاوران در سال تحصیلی۷۷-۱۳۷۶*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت معلم، دانشکده علوم تربیتی.

شفقتیان، ایرج. (۱۳۷۶). *بررسی نظر دانش‌آموزان علوم تجربی و علوم انسانی و مشاوران شهر زنجان نسبت به ملاکها و ضوابط هدایت تحصیلی در نظام جدید آموزش متوسطه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی.

شکرکن، حسین. (۱۳۶۷). *بررسی رابطه آموزشهای رسمی فنی و حرفه‌ای با اشتغال فارغ التحصیلان در استان خوزستان طی سالهای ۶۷-۱۳۶۳*. گزارش طرح پژوهشی، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان خوزستان.

شکوهی، مسعود. (۱۳۹۵). همه *جزییات هدایت تحصیلی دانش آموزان پایه نهم* (مصاحبه مطبوعاتی مدیرکل امور تربیتی و مشاوره وزارت آموزش و پرورش). *خبرگزاری پانا*، ۱۳۹۵/۴/۲۷.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

شهسواری فرد، عباس. (۱۳۷۵). *میزان علاقه‌مندی دانش‌آموزان شاخه کاردانش دبیرستان‌های شیراز نسبت به شاخه کاردانش در سال تحصیلی ۷۵- ۱۳۷۴*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.

صدرالسادات، جلال. (۱۳۵۴). *ارزیابی نحوه هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در اولین دورهٔ سه ساله راهنمایی با اشاراتی به گذشته راهنمایی در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت معلم، دانشکده علوم تربیتی.

عباس‌نسب، غلامشاه. (۱۳۷۸). *بررسی تأثیر درس برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی در هدایت و انتخاب رشته‌های تحصیلی دانش‌آموزان نظام جدید آموزش متوسطه از دیدگاه دانش‌آموزان و مشاوران در شهر بندر عباس*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: وزارت آموزش و پرورش، اداره کل تربیت معلم و آموزش نیروی انسانی، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی.

عزتی، حسن. (۱۳۷۵). *بررسی میزان آشنایی مشاوران دبیرستان‌های نظام جدید آموزش متوسطه استان ایلام با فنون مشاوره و ارتباط آن با میزان موفقیت آنان در کمک به حل مشکلات دانش‌آموزان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، دانشکده علوم تربیتی.

علی‌پور، محمدرضا. (۱۳۷۶). *بررسی میزان همبستگی بین شاخص‌های هدایت تحصیلی در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان نظام جدید آموزش متوسطه در شهرستان همدان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیت و روانشناسی.

علیدوست ابدی‌خواه، محمدعلی. (۱۳۷۰). *تحقیق دربارهٔ ملاکها و ضوابط هدایت تحصیلی، محاسبه و تعیین همبستگی بین نمرات دروس توصیه‌نامه تحصیلی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان رشته‌های مختلف متوسطه نظری، فنی و حرفه‌ای شهر تهران و بررسی علایق تحصیلی و شغلی و عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان*. گزارش طرح پژوهشی. تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت آموزشی، دفتر آموزش ابتدایی و راهنمایی.

_____ (۱۳۷۵). *ارزشیابی از ضوابط هدایت تحصیلی و رعایت آنها در نظام جدید آموزش متوسطه کشور*. تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت آموزش متوسطه، دفتر تألیف و برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه(فنی و حرفه‌ای).

فرجی، عباس. (۱۳۹۵). دانش آموزان پایه نهم؛ قربانی بی برنامگی‌ها/هدایت تحصیلی و سردرگمی دانش آموزان و مشاوران. *پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران*، ۱۳۹۵/۴/۲۳.

فقیه اردوبادی، عبدالحسین. (۱۳۶۹). *هدایت تحصیلی و افت تحصیلی در منطقه آموزشی چایپاره*. گزارش طرح پژوهشی. ارومیه: اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی.

کبریایی نوش‌آبادی، محمد. (۱۳۷۹). *بررسی میزان موفقیت دانش‌آموزان سال سوم متوسطه براساس هدایت تحصیلی مشاوران و نگرش دانش‌آموزان نسبت به رشته انتخابی خود در دبیرستان‌های شهر کاشان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

کلهر، فردین. (۱۳۹۴). *بررسی عوامل مؤثر در انتخاب رشته فنی و حرفه‌ای از دیدگاه دانش‌آموزان پسر دورهٔ دوم متوسطه شهرستان دیواندره*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

کوچکی‌نژاد، جبار. (۱۳۹۵). هدایت تحصیلی به یک بحران تبدیل شده است. *خبرگزاری فارس، به نقل آنا*، ۱۳۹۵/۵/۴.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

کیامنش، علیرضا و همکاران. (۱۳۷۳). *ارزشیابی جامع از نظام جدید آموزش متوسطه*. تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت آموزش متوسطه.

گنجی، اسماعیل. (۱۳۷۷). *بررسی چگونگی اجرای شاخهٔ کاردانش نظام جدید آموزش متوسطه(رشته‌های بخش صنعت) و مشکلات اجرایی آن در نواحی مرزی شمال شرقی استان خراسان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

لرستانی، ایرج. (۱۳۸۱). *بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان کاردانش استان کرمانشاه*. گزارش طرح پژوهشی، آموزش وپرورش استان کرمانشاه.

محمدی، حکمت. (۱۳۷۷). *میزان مشارکت هریک از ملاکهای هدایت تحصیلی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر نظام جدید آموزش متوسطه در اردبیل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: وزارت آموزش و پرورش، اداره کل تربیت معلم و آموزش نیروی انسانی، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی.

محمدی، رضا. (۱۳۷۷). *بررسی نظرات دانش‌آموزان و مشاوران نظام جدید دربارهٔ تأثیر درس برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی در افزایش آگاهی‌های تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

محمودی، حسن. (۱۳۷۴). *بررسی وضعیت انتخاب رشته تحصیلی توسط دانش‌آموزان پسر مستعد سال اول دبیرستانه‌های شهر مشهد از دیدگاه دانش‌آموزان و مدیران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

مشرق نیوز. (۱۳۹۵). *معضلی به نام «هدایت تحصیلی» و سرگردانی دانش‌آموزان*. سایت خبری مشرق نیوز، ۱۳۹۵/۴/۲۷.

منشی، فائزه. (۱۳۸۹). *بررسی عوامل مؤثر در انتخاب شاخه‌های تحصیلی(نظری و مهارتی) دانش‌آموزان دختر و پسر*. گزارش طرح پژوهشی. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

مهدی زاده، عباس. (۱۳۷۶). *بررسی میزان اثربخشی شاخه کاردانش در ارتباط با اشتغال فارغ‌التحصیلان این شاخه در سال‌های ۷۵-۱۳۷۱در استان کرمان*. گزارش طرح پژوهشی، اداره آموزش و پرورش استان کرمان.

مهرعلی‌زاده، یداله. (۱۳۸۴). *نیازسنجی رشته‌های مهارتی شاخه کاردانش در زمینه صنعت و میزان انطباق آن‌ها با وضعیت موجود در برنامه پنج‌ساله توسعه کشور در استان خوزستان*. گزارش طرح پژوهشی، سازمان آموزش و پرورش استان خوزستان.

ناصری زنجانی، مصطفی. (۱۳۹۵). «اجبار» از هدایت تحصیلی برداشته شده است. *خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی، آنا*، ۱۳۹۵/۵/۱۲.

نظری، عباس. (۱۳۷۵). *بررسی تأثیر طرح هدایت تحصیلی بر هدایت دانش‌آموزان نظام جدید به شاخهٔ نظری در آموزش و پرورش ناحیه ۲ اراک*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اراک: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

نفیسی، عبدالحسین. (۱۳۷۸). *بررسی نارسایی های ارتباط نظام های آموزش و پرورش و بازار کار و ارائه راه حل های اصلاحی*. تهران: انتشارات مدرسه.

نویدی، احد. (۱۳۷۶). *بررسی سهم هریک از ملاکهای هدایت تحصیلی در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نظام جدید آموزش متوسطه*. گزارش طرح پژوهشی. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]

_____ (۱۳۷۸). بررسی سهم هریک از ملاکهای هدایت تحصیلی در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نظام جدید آموزش متوسطه. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، *۱۵* (۴)، ۹۷-۱۳۴.

نویدی، احد و برزگر، محمود. (۱۳۹۱). ارزشیابی دوره‌های کاردانی آموزش فنی و حرفه‌ای. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، *۱۱* (۲)، ۱۶۱-۱۸۶.

یوسفوند، محمدجواد. (۱۳۷۶). *بررسی نظرات دانش‌آموزان پسر سال دوم رشته‌های علوم تجربی و ریاضی فیزیک و مشاوران دوره متوسطه نظام جدید نسبت به ملاکها و ضوابط هدایت تحصیلی در شهر کرمانشاه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. کرمانشاه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.4.4]